

عنوان مقاله:

بررسی «راهبرد فشار حداکثری» ترامپ بر ایران از منظر «قدرت اجبار»

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات بین المللی، دوره 17، شماره 1 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسنده:

مهدی علیخانی - استادیار عضو هیات علمی گروه روابط بین الملل، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران

خلاصه مقاله:

با خروج آمریکا از برجام، راهبرد ترامپ بر مبنای فشار حداکثری و مستمر بر ایران با هدف دستیابی به توافق جدید و گسترده‌تر از موضوع هسته‌ای قرار گرفت. در این راه مجموعه‌ای از ابزارهای مختلف به شکل منسجم، هدفمند و همزمان به خدمت این راهبرد در آمد. این مقاله با هدف شناخت غیرتقلیل‌گرایانه از رویکرد ترامپ در برابر ایران، از مفهوم «قدرت اجبار» و ابزارهای اعمال آن به‌عنوان بستری مناسب در جهت فهم مدل تحلیل و چگونگی پیشبرد راهبرد فشار حداکثری بهره می‌گیرد. سوالات اصلی مقاله این است که «راهبرد فشار حداکثری ترامپ بر ایران در چارچوب چه مدلی قابل تحلیل است و چگونه این راهبرد عمل کرده است؟ چه ارتباطی میان اجزا این راهبرد وجود دارد؟ نقاط قوت و ضعف آنها چیست؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش، روش تحقیق مقاله، روش تحلیلی و توصیفی است و مهم‌ترین «محدودیت پژوهش» نیز محرمانه بودن داده‌های آماری به واسطه شرایط تحریمی بوده است. مطابق نتیجه کلی مقاله، آمریکا علاوه بر اقدام به تحریم‌های گسترده در حوزه‌های اقتصادی، انرژی و تسلیحاتی، به رهگیری دریایی، حمایت آشکارتر از اپوزیسیون و حملات گسترده‌تر سایبری دست زده است تا این اقدامات توأمان را جایگزین جنگ کند. هر چند به‌رغم برخی آسیب‌های وارده، تدابیر ایران تاکنون موجب عدم تحقق اهداف ترامپ شده است، اما احتمال استفاده بی‌محاباتر و خارج از قاعده ترامپ از این ابزارها قابل پیش‌بینی است.

کلمات کلیدی:

قدرت اجبار، راهبرد فشار حداکثری، تحریم‌های مالی، رهگیری دریایی، عملیات سایبری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1145270>

